

Ways to deal with renting bank accounts from the perspective of Islamic law and economics

Aref Bashiri*

Received: 15/06/2020

Abdolhosseyn Rezaei Rad**

Accepted: 16/12/2020

Mohammad Mohsen Dehkalani***

Abstract

One of the most common ways to hide income is to rent a bank account. This phenomenon has made it difficult to identify the information of economic actors in order to identify the source of money and determine the amount of tax on it. This descriptive-analytical study seeks to examine economic policies and decisions to combat this phenomenon from the perspective of economic law. The results of this study show that the intensification of the phenomenon of renting bank accounts is mainly due to the government's neglect of personal accounts, and this has led to regulatory policies focusing on commercial accounts. Moreover, even these limited policies are sometimes challenged by non-implementation and follow-up by banks, and sometimes conflict with the interests of some major stakeholders, and in the author's view, One of the main reasons for the non-implementation as well as the successive developments in the economic policies of the Central Bank has been from the beginning until now. Renting bank accounts in the judiciary is also subject to a criminal guarantee. "Renting" a bank account for various crimes such as tax evasion, money laundering, etc., each of which has a specific punishment in the Islamic Penal Code, and according to judicial rulings, a person who "rents" the account, the ground for the realization of these crimes To provide, under the title of deputy or participation in the crime, is subject to the punishment prescribed in the Islamic Penal Code.

Keyword: bank account rental, economic policy, central bank, money laundering, tax evasion.

JEL Classification: Q40, F30, E50, E52, E26

* Ph.D Graduated in Islamic Jurisprudence and Islamic Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran, (Corresponding Author) arefbashiri@yahoo.com

** Associate Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Shahid Chamran University of Ahvaz ahrr39@scu.ac.ir

*** Associate Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran mmdehkalany@umz.ac.ir

شیوه‌های مقابله با اجاره حساب‌های بانکی از منظر حقوق و اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

عارف بشیری*

عبدالحسین رضایی‌راد**

محمد محسن دهکلانی***

چکیده

یکی از شایع‌ترین راه‌های کتمان درآمدها روشی است که به اجاره حساب‌های بانکی شهرت یافته است. این پدیده، فرآیند شناسایی اطلاعات فعالان اقتصادی به منظور شناسایی مبدأ پول و تشخیص میزان مالیات بر آن را با دشواری روبه‌رو کرده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است تا سیاست‌های اقتصادی و مصوبات در راستای مقابله با این پدیده را از نگاه حقوق اقتصادی مورد بررسی قرار دهد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد تشدید پدیده اجاره حساب‌های بانکی اساساً ناشی از غفلت دولت از حساب‌های شخصی است و این امر سبب شده است تا سیاست‌های نظارتی، بر روی حساب‌های تجاری متمرکز شود. از این گذشته حتی همین سیاست‌های محدود هم، گاه با عدم اجرا و پیگیری از سوی بانک‌ها مواجه می‌شود و گاه نیز با منافع برخی ذی‌نفعان بزرگ در تعارض قرار می‌گیرد و به‌نظر نگارنده این مسئله، از اصلی‌ترین دلایل عدم اجرا و نیز تحولات پی‌درپی سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی از آغاز تاکنون بوده است. اجاره حساب‌های بانکی در حوزه قضائی نیز با ضمانت اجرای کیفری همراه است. «اجاره کردن» حساب بانکی برای جرائم مختلفی همچون فرار مالیاتی، پولشویی و... صورت می‌گیرد که هرکدام دارای مجازات معینی در قانون مجازات اسلامی است و براساس آراء قضائی، فردی که از طریق «اجاره دادن» حساب، زمینه تحقق این جرائم را فراهم نماید، تحت عنوان معاونت یا مشارکت در جرم، مشمول مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی می‌گردد.

واژگان کلیدی: اجاره حساب بانکی، سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی، پولشویی، فرار مالیاتی.

طبقه‌بندی JEL: E26, F30, E50, E52, Q40.

* دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

arefbashiri@yahoo.com

ahrr39@scu.ac.ir

** دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

mmdehkalany@umz.ac.ir

*** دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه

شفافیت اقتصادی نیازمند کسب اطلاعات صحیح از گردش‌های مالی موجود در حساب‌های بانکی است. بخش عظیمی از مبادلات تجاری، از درگاه شبکه بانکی کشور صورت می‌گیرد و این امر برای نهادهای متولّی مالیات و نیز دستگاه‌های نظارتی شرایطی را فراهم می‌سازد تا با وضع قوانین و اعمال سیاست‌های اقتصادی کارآمد، به اطلاعاتی هرچه دقیق‌تر از گردش‌های مالی موجود در حساب‌های بانکی به‌منظور اصلاح وضعیت اقتصادی کشور دست پیدا کنند.

با دقت بر روی بخشنامه‌های دولت چنین مشاهده می‌شود که اغلب سیاست‌های اقتصادی، متمرکز بر روی حساب‌های تجاری بوده و این رویه، برای متخلفان اقتصادی شرایطی را فراهم نمود تا گردش‌های مالی خود را از راهی غیر از درگاه تحت کنترل دولت؛ و از مسیر حساب‌های شخصی دیگران انجام دهند و سپس برای این اقدام، هرماه وجه و مبلغی به‌عنوان حق‌الاجاره به صاحب حساب دهند؛ روشی که به «اجاره حساب‌های بانکی» شهرت یافته است. در این بررسی، عنوان قانونی «اجاره» در عدم تحقق عنصر مادی جرم معاونت، هیچ تأثیری ندارد و نگاه قانون‌گذار به ماهیت اصلی فعل بزه‌کار یعنی اقدام به اخفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن معطوف است که این عمل غالباً از طریق اجاره حساب بانکی صورت می‌پذیرد و درحقیقت اجاره جنبه صوری دارد و سرپوشی بر واقعیت عمل انجام شده است. در آخرین گزارشی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور در سال ۱۳۹۷ ارائه گردید، میزان سوءاستفاده فعالان اقتصادی از محل حساب‌های اجاره‌ای در کشور، به مبلغی بالغ بر حدود ۸ هزار میلیارد تومان رسیده است که با احتساب جریمه‌های قانونی، این رقم به ۲۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد.^۱

در راستای تحلیل حقوقی - اقتصادی اجاره حساب‌های بانکی، سه پرسش مهم قابل طرح است: نخست آن‌که میزان کارایی سیاست‌های بانک مرکزی در جهت کشف حساب‌های اجاره‌ای تا چه اندازه بوده و چه نقدهایی بر آن‌ها وارد است؟ دوم این‌که چه موانعی بر سر اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت در کشف حساب‌های اجاره‌ای وجود دارد؟ و سوم آن‌که قانون برای اجاره‌دهندگان حساب‌های بانکی چه مجازاتی را

مقرر نموده است؟ و در پرونده‌های متخلفین حساب‌های اجاره‌ای، نهادهای قضائی چه واکنش‌های قضائی و کدامین اقدامات بازدارنده به کار گرفته‌اند؟

اهمیت نظارت و مداخله دولت بر اقتصاد، امری حیاتی است؛ زیرا هرگونه اعمال سیاست‌های غیرکارشناسی در نظام بانکی کشور، به صورت مستقیم تأثیر خود را بر روی منحنی رشد اقتصاد و نیز گسترش مفساد اقتصادی برجای می‌گذارد. در واقع، به دلیل این‌که همه معاملات تجاری در سامانه‌های رسمی کشور ثبت نمی‌شوند، شناسایی فعالیت‌های سوداگرانه بسیار دشوار است اما با توجه به این‌که در پشت هر معامله اقتصادی، یک جریان مالی وجود دارد، اتخاذ نوع سیاست در رهگیری گردش‌های مالی، نقشی تعیین‌کننده در شفافیت تراکنش‌های مالی و اقتصاد کشور ایفا می‌کند.

اجاره حساب‌های بانکی از جمله جرائم نوظهور در حوزه اقتصاد کشور است که در قوانین ایران، تصریحی بدان نشده و عملکرد آن مستلزم تبیین و بررسی از نگاه حقوقی و اقتصادی است. این پژوهش تلاشی است تا کارکرد حقوقی و اقتصادی سیاست‌های اقتصادی دولت را با نگاهی بر قوانین موضوعه مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

تاکنون آنچه که در تحقیقات، بیشتر از هر چیز توجه محققان را به خود جلب کرده است، کیفرشناسی جرم فرار مالیاتی و ارزیابی مدل‌های مختلف به منظور پیشگیری از فساد اقتصادی در این عرصه بوده است اما درخصوص اجاره حساب‌های بانکی و نیز در زمینه ارزیابی سیاست‌های دولت و حتی در زمینه ضرورت جرم‌انگاری اجاره حساب بانکی در حد بررسی‌های مؤلفان این اثر هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده است. این تحقیق مسئله اجاره حساب‌های بانکی را در سه بخش مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش نخست دستورالعمل‌های بانکی در چگونگی استفاده از حساب‌های بانکی مورد دقت قرار می‌گیرد. در بخش دوم سیاست‌های اقتصادی دولت در زمینه مقابله با اجاره حساب‌های بانکی از منظر اقتصادی و حقوقی به نقد و بررسی گذاشته می‌شود و در بخش سوم به سیاست‌های کیفری و تدابیر قضائی در مقابله با این پدیده و نقد آن‌ها خواهد پرداخت.

۱. دستورالعمل‌های بانکی

براساس دستورالعمل‌های بانکی، تمامی تراکنش‌های حساب‌ها باید با منشأ مشخصی باشند و متقاضی مستقیم تراکنش باید احراز هویت شود. حتی اگر متقاضی این تراکنش‌ها فرد دیگری باشد که دارنده حساب نیست، ضروری است با ارائه توضیحات کتبی دارنده حساب به بانک، اطلاعات لازم، احراز شود (بهزاد، ۱۳۹۷، ص. ۴) و به همین خاطر، اصل اولیه قانونی که در مورد استفاده از امتیاز بهره‌مندی از حساب‌ها و تسهیلات بانکی وجود دارد این است که حساب‌های بانکی اشخاص، قائم به شخص بوده و کارکرد آن به گونه‌ای است که قابل واگذاری به غیر نیست.^۲ در نظام حسابداری بانک‌ها و مؤسسات مالی، افتتاح حساب و دریافت کارت برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی به سهولت میسر است و این برای مراجع قانونی و قضائی بدین معناست که تقاضا برای اجاره کارت بانکی و یا حساب، صرفاً برای مقاصد خاصی که خارج از حیطه قانون باشد، انجام می‌پذیرد. فرار مالیاتی، قاچاق، انجام فعالیت‌های مجرمانه‌ای چون پولشویی، و جابه‌جایی پول‌های کثیف در میان حساب‌هایی با پول‌های تمیز در داخل و خارج کشور، از این قبیل مواردی است که اجاره حساب بانکی می‌تواند بستر آن‌ها را مهیا ساخته و ردپای مجرم را برای ضابطین قضائی محو یا دشوار نماید. دشواری این پیگیری و مشکلات حقوقی آن به این خاطر است که اولاً در طی این فرآیند، فرد اجاره‌کننده از همان ابتدا دسته چک یا کارت اعتباری را به حساب اصلی حساب نمی‌دهد تا اطلاعاتی از پروسه فعالیت‌هایش نداشته باشد، بنابراین اعلام موجودی حساب، ارسال پیامک و ... تماماً برای فردی می‌رود که حساب بانکی را اجاره کرده است نه فردی که مالک آن است؛ زیرا فرد اجاره‌کننده از صاحب حساب در دفتر اسناد رسمی اقرار می‌گیرد که محتویات حساب مربوط به اوست و صاحب حساب، هرچند حساب به نام اوست، اختیاری در قبال آن ندارد و به همین خاطر او از آنچه در حساب او در حال رخ دادن است اطلاعی نخواهد داشت (بهزاد، ۱۳۹۷، ص. ۱)؛ و ثانیاً مطابق قوانین و مقررات جاری بانک‌ها و مؤسسات مالی، مسئولیت تمامی تراکنش‌ها و مبادلاتی که از طریق حساب بانکی انجام می‌شود برعهده دارنده آن

است، بنابراین هیچ‌گونه ادعایی مبنی بر اجاره دادن حساب توسط اجاره‌دهندگان برای مراجع ذیصلاح قانونی، مالیاتی، انتظامی و قضایی مسموع نیست.

۲. سیاست‌های اقتصادی مقابله با اجاره حساب‌های بانکی

در سال‌های اخیر، سیاست‌های اقتصادی متعددی از سوی نهادهای اقتصادی دولت ابلاغ شده است که هدف اصلی آن‌ها کشف حساب‌های مشکوک و رصد جریان‌های مالی از جمله اجاره حساب‌های بانکی در کشور بوده است. تحلیل سیاست‌های کنترل اجاره حساب‌های بانکی هم از حیث میزان کارایی در دستیابی به اطلاعات دقیق از حساب‌های بانکی و هم از جهت پیامدهای ناشی از اجرای آن در شبکه بانکی، دارای جوانب بسیار مهمی است که لازم است هم از حیث اقتصادی و هم از لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار گیرند:

۲-۱. رصد گردش‌ها و موجودی حساب‌های تجاری

ساده‌ترین و اولین راهکار برای دستیابی به اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی، رصد حساب‌های تجاری است که البته با مسئله حقوقی حریم خصوصی گره می‌خورد. کارایی این سیاست - که با همکاری بین سازمان امور مالیاتی و بانک مرکزی برای واگذاری اطلاعات شرکت‌ها به این سازمان صورت می‌گیرد - می‌تواند موجب شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و بهبود حسابرسی‌های مالیاتی شده و هرگونه تراکنش مشکوک مربوط به پول‌های ناسالم را هم ردگیری نماید.

۲-۱-۱. نقد اقتصادی

از دیدگاه برخی، این شیوه، سبب اشراف اطلاعاتی دولت به موجودی حساب‌های شخصی افراد و مجموعه گردش‌های متعلق به حساب‌های ایشان می‌شود که در این صورت نوعی «سرکشی به حساب‌های مردم» و نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود. از نظر این دیدگاه، این سیاست، منجر به عدم اعتماد عمومی و فعالین عرصه اقتصادی شده و متعاقباً سبب خروج یکباره نقدینگی و انتقال آن از حساب‌های بانکی به سمت بازارهای ارز و سکه و حتی مسکن و دلالتی حاکم بر این بازارها می‌شود که در نهایت افزایش تورم را به همراه دارد؛ خطری که می‌تواند علاوه بر زمین‌زدن بانک‌ها، آشفتگی‌هایی را هم در بازارهای مورد اشاره ایجاد نماید. براساس این دیدگاه، شفافیت

حساب‌های بانکی لزوماً به شفافیت فعالیت‌های اقتصادی منجر نمی‌شود، بلکه ثروت‌های پنهان دورمانده از مالیات را به بازارهای غیرشفاف دیگری منتقل خواهد کرد. اما در پاسخ به این دیدگاه باید گفت آنچه که از آن به‌عنوان رصد حساب‌های بانکی نام برده می‌شود غیر از سرکشی حساب‌های بانکی است؛ زیرا هدف از رصد حساب‌های بانکی، رصد تراکنش‌ها و جریان‌های مالی متعلق به حساب‌ها است که منبع و مقصد تراکنش‌ها را مشخص نماید. تردیدی نیست هرگونه اعمال سیاست نادرست مالیاتی، مستقیماً اثر خود را در گسترش اقتصاد زیرزمینی و ورود فعالیت‌های اقتصادی به سمت بازارهای سیاه نشان می‌دهد اما از لحاظ فنی، مبارزه با پولشویی و جلوگیری از فساد اقتصادی و استقرار یک نظام مالیاتی کارآمد، مستلزم رصد نمودن گردش‌های موجود در حساب‌های بانکی است و برای پیشگیری از فسادهای مالی بزرگ، گریزی از آن نیست و بی‌توجهی به این‌گونه نظارت‌ها صرف‌نظر از جنبه حقوقی و مجرمانه آن، می‌تواند در روند فعالیت‌های سالم و سازنده اقتصادی، اختلال ایجاد کند؛ زیرا با بازگشتن راه فساد و فعالیت‌های ناسالم، عرصه بر فعالیت‌های سالم تنگ‌تر می‌شود و فعالان اقتصادی را به این نتیجه می‌رساند که فعالیت‌های سالم، مقرون به‌صرفه نیست و صرفه در تخلف یا پرداختن به کارهای غیرمولد و واسطه‌گری است و به همین دلیل است که این شیوه نه‌تنها در ایران بلکه در عرصه بین‌الملل نیز قابل مشاهده است. در این زمینه می‌توان به یکی از سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (Organisation for Economic Co-operation and Development - OECD) اشاره نمود که بر اساس مفاد توافق‌نامه این سازمان، بانک‌ها و مؤسسات مالی تمامی کشورهای عضو موظف شده‌اند به‌منظور مبارزه با پولشویی و نیز فرار مالیاتی، اطلاعات مربوط به سپرده‌ها و برداشت مشتریان را در اختیار نهادهای نظارتی و مالیاتی کشور خود قرار دهند (مختاری هشی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴). همچنین در برخی از کشورهای عضو، مانند آمریکا، بانک‌ها وظیفه دارند اطلاعات مشکوک مربوط به پولشویی و تراکنش‌های مالی بیشتر از حد مشخص (۱۰ هزار دلار در آمریکا) را به این کشور گزارش دهند. به‌علاوه این‌که در این کشور، براساس موافقت‌نامه موسوم به (FATCA) همه بانک‌های دنیا موظف به ارسال اطلاعات مربوط به حساب‌های بانکی هر آمریکایی به این دولت هستند (OECD Annual Report, 2008).

بنابراین، رهگیری و رصد کردن اطلاعات حساب‌های بانکی و گردش‌های مالی را نمی‌توان ناقض اصل رازداری بانک‌ها دانست بلکه در چنین شرایطی، بسیاری از کشورها، ضمن موظف نمودن بانک‌ها به ارائه برخی اطلاعات اقتصادی لازم، سازوکار معینی را در راستای جلوگیری از افشای اطلاعات بانکی مقرر کرده‌اند به گونه‌ای که ضمن رعایت رازداری و امانتداری در حق دارندگان سرمایه‌های نقدی، از این‌که بانک‌ها با سوءاستفاده از امانتداری، مددکار و نگهدارنده رایگان برای خائنین اقتصادی و شریک جرم آن‌ها باشند، در امان بمانند.

۲-۱-۲. نقد حقوقی

این شیوه به لحاظ حقوقی نیز با نقدهایی همراه است. نخست موجودی حساب بانکی اشخاص حقوقی و اصناف، دلیلی بر مالکیت ایشان بر موجودی حساب ایشان نیست و نمی‌توان به طور قطع، قابل استناد باشد؛ چراکه بخشی از گردش‌های بانکی اصناف، مبتنی بر درآمد آن‌ها نیست. برای مثال ممکن است مبلغی برای پاس کردن چک استقراض، واریز به یک حساب شود یا گاهی یک فرد، صرفاً مسئول نقل و انتقال پول است ولی پول متعلق به خود او نیست و فقط آن را در حسابش جابه‌جا می‌کند، یا آن‌که ارثیه موکلین اوست و در حال محاسبه و تقسیم آن است، بنابراین، هر گردش نمی‌تواند ملاکی برای تعیین میزان دارایی و مالیات باشد. از سوی دیگر شاید بخشی از موجودی حساب، به طور امانی در این حساب قرار گرفته باشد و متعلق به شخص دارنده حساب نباشد و یا به صورت قرض باشد. همچنین ممکن است صاحب حساب، به سایرین بدهکار باشد و با تهیه مبالغی که به حساب خود واریز کرده است، بخواهد مانع از برگشت خوردن چک‌های خود شود و این در حالی است که رسید حساب‌های بانکی هیچ راهکاری برای تفکیک این موارد ندارد و صرفاً موجودی حساب و گردش آن را ملاک تعیین دارایی و مالیات قرار می‌دهد که خطائی بس بزرگ و عملی ناعادلانه است.

دومین نقدی که به لحاظ حقوقی می‌توان بر این گونه سیاست‌های نظارتی وارد کرد این است که این راهکار، صرفاً موجودی حساب‌های تجاری و اشخاص حقوقی را مبنای حسابرسی قرار داده است و حال آن‌که حساب‌های اجاره‌ای غالباً مربوط به حساب‌های شخصی است.

۲-۲. رهگیری تراکنش‌های مشکوک و اعلام محرمانه گزارش

یکی دیگر از سیاست‌ها برای مقابله با سوءاستفاده از حساب‌های بانکی از جمله اجاره حساب، این است که نه همه تراکنش‌ها بلکه تراکنش‌های مشکوک مورد کنترل قرار گیرد و به‌طور محرمانه به مقامات مسئول گزارش شود. در این زمینه، سازمان امور مالیاتی مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ به‌منظور ارائه سازوکاری نظارتی بر تراکنش‌های بانکی مشکوک، طی بخشنامه‌ای، «دستورالعمل تکمیلی نحوه رسیدگی به تراکنش‌های بانکی مشکوک» را ابلاغ نمود که در بخشی از این ابلاغیه خطاب به ادارات کل امور مالیاتی آمده است: «از آنجایی که اطلاعات مربوط به تراکنش‌های مشکوک می‌تواند نتیجه معاملات و عملیات‌های مشکوک به پولشویی باشد، اعلام محرمانه گزارش به دفتر مبارزه با پولشویی الزامی است».

تأکید این بخشنامه بر روی تبصره ۴ ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم است که مقرر داشته: «عدم ارائه صورتحساب‌های مربوط به خریدهای اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل، مشمول جریمه‌ای معادل ۱۰ درصد مبلغ صورتحساب‌های ارائه نشده خواهد بود».

تفاوت این راهکار با راهکار قبلی در این است که در این روش، به‌جای رصد همه تراکنش‌ها فقط تراکنش‌های مشکوک را مدنظر قرار داده تا دشواری و ناممکنی را که در راهکار پیشین مشهود بود مرتفع سازد.

۲-۲-۱. نقد اقتصادی

این راهکار نیز نمی‌تواند نظارت کارآمدی را بر روند اجاره حساب‌های بانکی اعمال نماید؛ زیرا در این صورت تراکنش‌های بانکی با دو ضعف همراه خواهند بود: اولاً آن‌که سقف تراکنش‌ها برای فعالان اقتصادی، نامحدود است؛ ثانیاً تراکنش‌های حساب‌های بانکی اشخاص حقیقی، غیرشفاف هستند و این برای اجاره‌کنندگان حساب‌های بانکی تهدید جدی محسوب نمی‌شود؛ زیرا جریمه در درصد علاوه بر آن‌که مبلغ قابل توجهی نیست که بتواند بازدارندگی کافی را داشته باشد، مشروط به اثبات خرید و اثبات عدم ارائه صورتحساب است که برای نظام مالیاتی کاری چندان آسان نیست و راه‌های فرار بسیاری دارد.

۲-۲-۲. نقد حقوقی

نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در این راهکار، دقیقاً مشخص نشده است مقصود از مشکوک بودن تراکنش، مشکوک بودن به چه اعتباری است؟ و این ابهام در معیار مشکوک بودن تراکنش، اجرایی شدن آن را با مشکل‌های بسیاری مواجه می‌کند و مسئله را سلیقه‌ای و توجیه‌پذیر و تفسیربردار نموده و به سلیقه شخصی گزارش‌دهنده موکول می‌کند. مضاف بر آن که هیچ‌گونه ضمانت اجرائی برای گزارش‌دهنده ندارد و معلوم نیست فردی که ملزم به گزارش است کیست و چگونه می‌توان ثابت کرد که عالمماً و عامداً گزارش نکرده است و اگر عالمماً و عامداً گزارش نکرد و ثابت شد چه مجازاتی دارد، آیا این مجازات به قدری هست که بازدارندگی کافی را جهت برانگیختن مسئول مربوطه به ارائه گزارش داشته باشد یا خیر؟ از طرف دیگر این سیاست اقتصادی، نوعی اقدام پسینی مبنی بر کشف حساب‌های مشکوکی است که از قبل، اقدام به فعالیت‌های غیرقانونی کرده‌اند و نقطه تمرکز چنین دستورالعمل‌هایی، اغلب بر روی مجازات و تنبیه مجرم است نه پیش‌گیری. درحالی‌که هدف سیاست‌های اقتصادی باید به‌ثمر رساندن سیاست‌های مالیاتی را به‌گونه‌ای دنبال کند که موجب رشد و توسعه اقتصادی و فقرزدایی از جامعه و تقویت دهک‌های پایین باشد. تکیه بر اقدامات پسینی و بازدارنده، روش مناسبی برای کنترل اجاره حساب‌های بانکی نیست و حتی به فرض اثبات و مجازات متخلف، کمکی به بهبود وضع اقتصادی جامعه و تشویق فعالیت‌های مفید و مولد نمی‌کند.

۲-۳. ایجاد محدودیت در تراکنش و چک‌های تضمینی

یکی دیگر از راهکارهای پیشگیری از سوءاستفاده از حساب‌ها در قالب اجاره حساب، ایجاد محدودیت در تراکنش‌هاست. در توضیح این راهکار باید گفت هنگامی که بهره‌های بانکی یک کشور با نرخ بالایی همراه باشد، اقتصاد آن کشور با نقدینگی بالایی همراه خواهد بود ولی این میزان از نقدینگی، در صورتی که مقادیر بیشتری از آن در حساب‌های مدت‌دار بانکی انباشته شده باشد، اثر تورم قابل‌توجهی ایجاد نمی‌کند (تقوی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۹) اما در عوض، باعث رکود اقتصادی می‌شود و این شرایط، دولت را وادار به اجرای سیاست‌هایی در راستای کاهش نرخ بهره بانکی می‌کند (kornai, 1994, p.45). اما

کاهش نرخ سود نیز مشکل را برطرف نمی‌کند؛ زیرا این عمل باعث فرار سپرده‌ها و سرازیر شدن بخشی از پول‌های انباشته شده در نظام بانکی به سمت فعالیت‌های غیرمولد مانند طلا و ارز و مسکن می‌شود.^۳ در این شرایط، دولت ناچار می‌شود با وضع مالیات‌هایی مثل مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) در این‌گونه فعالیت‌های غیرمولد، میزان جذابیت‌های این بخش از اقتصاد را کاهش داده و توجه سرمایه‌گذاران را به سمت بازارهای مولد سوق دهد. اما این راهکار (یعنی اخذ مالیات) بیش از هر چیز مشروط به اشراف اطلاعاتی بر حساب‌های بانکی و میزان گردش مالی آن‌ها است (شهیدی، ۱۳۹۸، ص. ۶). ناتوانی دولت در دستیابی به این اطلاعات، منجر به التهابات شدید بازار سکه و ارز در سال ۱۳۹۷ شد و بازار سیاه ارز و طلا را به ارمغان آورد.

این‌گونه سوءاستفاده‌های بانکی از جمله حساب‌های اجاره شده در مبادلات ارزی و شفاف نبودن تراکنش‌های حساب‌های اشخاص حقیقی باعث شد تا قانون‌گذار در جدیدترین اصلاحیه قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳ به همراه بخشنامه الحاقی «شرایط جدید استفاده از چک‌های تضمین شده» از سوی بانک مرکزی؛ محدودیت‌های لازم را بر فعالیت‌های غیرمولد و مخرب در اقتصاد، به انجام رساند و به این منظور دو اقدام بی‌سابقه را رقم زد.

اقدام نخست با هدف محدود کردن و شفاف‌سازی تراکنش‌های بانکی افراد حقیقی در کشور صورت گرفت و کارت‌های بانکی با یک کد ملی خاص به یکدیگر متصل شد و سقف تراکنش برای هر فرد به میزان ۱۰۰ میلیون تومان در روز محدود گردید و این اقدام باعث شد دلالت بازار سکه و ارز نتوانند هرگونه تراکنشی را بدون محدودیتی انجام دهند. مطابق این سیاست، یک شماره ملی با ده‌ها کارت بانکی نیز به همین عدد محدود شده و هر کارت بانکی نیز در نهایت تا ۵۰ میلیون تومان می‌تواند تراکنش بانکی طی ۲۴ ساعت داشته باشد.

این سیاست، در واقع اهرمی بازدارنده و مکمل برای اقدامی دیگر بود که به موجب بخشنامه الحاقی از سوی بانک مرکزی «شرایط جدید استفاده از چک‌های تضمین شده» اعلام شد و در آن شرایط اعلامی، بنا به تصمیم شورای عالی سران سه قوه، فضای بازتری در اختیار بانک مرکزی برای اعمال وظایف حاکمیتی‌اش قرار داده شد از جمله

آن‌که: امکان ظهرنویسی و انتقال چک‌های تضمین‌شده بانک‌ها در چرخه معاملاتی کشور، فاقد اعتبار اعلام گردید (بخشنامه شرایط جدید استفاده از چک‌های تضمین‌شده، مصوب ۱۳۹۷/۹/۱۱). معاملات انجام شده از طریق چک‌های تضمین‌شده بانک‌ها، هیچ‌گونه شفافیتی نداشتند؛ به همین دلیل این ابزار، به‌عنوان یکی از مطلوب‌ترین ابزارهای معاملاتی برای سوداگران و سفته‌بازان بازارهای غیرمولد به‌ویژه دلالان ارز و سکه به حساب می‌آمد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۷). حذف این‌گونه ابزارهای معاملاتی غیرشفاف، نقل و انتقال در معاملات را به‌سمت و سوی استفاده آن‌دسته از حساب‌های بانکی سوق داد که امکان رصد جریان پول توسط بانک مرکزی را ایجاد می‌کند.

این سیاست در اصلاحیه مذکور به‌انضمام بخشنامه الحاقی بانک مرکزی، اثر قابل توجهی در کاهش فعالیت‌های افراد سودجو در معاملات بازار سکه و ارز و در تنگنا قراردادن ایشان برجای گذاشت. همچنین از آنجایی که مسیر گردش‌های مالی بر روی حساب‌های بانکی متمرکز شد، سبب گردید تا این سیاست نقش مؤثرتری در بازآفرینی مبادلات بانکی نیز ایفا نماید به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۷ به کشف مبلغ ۲۵ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور انجامید.^۴

۲-۳-۱. نقد اقتصادی

سیاست اقتصادی محدود کردن امکان تراکنش به سقفی محدود با همه محاسنی که می‌توان برایش تصور کرد و در سطور فوق نیز به آن‌ها اشاره شد اما از این لحاظ ابهام دارد که این سقف، چه میزان است و چه دلیلی می‌تواند توجیه‌گر این میزان باشد و دستورالعمل‌ها و قوانین مالیاتی در این خصوص اضطراب آشکاری را از خود نشان می‌دهد. ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، اصلاحی مصوب ۳۱ تیر ۱۳۹۴ می‌گوید: «برای شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و استقرار نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی شامل مواردی نظیر اطلاعات مالی، پولی و اعتباری، معاملاتی، سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد می‌شود». در تبصره (۵) این ماده قانونی نیز آمده است: «ترتیبات اجرای احکام این ماده و... به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که در مدت

شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور و مشارکت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب وزیران امور اقتصادی و دارایی و دادگستری می‌رسد».

آیین‌نامه اجرائی تبصره ۵ ماده ۱۶۹ یک سال بعد یعنی سال ۱۳۹۵ تصویب شد و تصمیم بر این شد که به‌موجب آن، حساب‌هایی که گردش بیشتر از ۵۰۰ میلیون تومان در سال را تجربه کرده بودند، از طرف سازمان امور مالیاتی بررسی شوند. در همان زمان، سازمان امور مالیاتی تعیین چنین رقمی را از نظر کارشناسی، منطقی خوانده بود از این نظر که: اولاً عمده حساب‌های با گردش زیر ۵۰۰ میلیون تومان مشمول مالیات زیادی نمی‌شدند و ثانیاً بررسی تمام حساب‌های با گردش مالی پایین‌تر از سقف اعلام‌شده، به دلیل حجم بسیار بالای آن‌ها، تبدیل به فرایند پیچیده‌ای می‌شد (رستم‌پور، ۱۳۹۶، ص ۳). اما این تصمیم از همان ابتدا با مخالفت‌های فراوانی به‌خصوص از سوی بانک‌ها همراه شد و درنهایت تصمیم بر آن شد که سقف ۵۰۰ میلیون تومان به ۵ میلیارد تومان افزایش پیدا کند. بنابراین حد آستانه بررسی حساب‌های بانکی، به مبلغی ۱۰ برابر بیشتر از سقفی شد که سازمان امور مالیاتی آن را مطابق با نظر کارشناسی قلمداد کرده بود. با این حال همچنان برای بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی، تا به امروز دلیل این افزایش سقف محرز نشده و بسیاری از ایشان، آن را نوعی عقب‌نشینی ۴.۵ میلیارد تومانی سازمان امور مالیاتی قلمداد می‌کنند (رستم‌پور، ۱۳۹۶، ص ۳).^۹

سیاست تمرکزگرایی بانکی دولت، اساساً در راستای اعمال بخشنامه «دستورالعمل تکمیلی نحوه رسیدگی به تراکنش‌های بانکی مشکوک» از طریق رسیدگی به حساب‌های بانکی به‌منظور استقرار نظام مالیاتی کارآمد تدوین گردیده است و مصداق «تراکنش مشکوک» مطابق با بخشنامه ابلاغی سازمان امور مالیاتی، تراکنش مالی آن‌دسته از حساب‌های تجاری است که مجموع گردش‌های مالی آن‌ها در طی یکسال به‌بیشتر از ۵۰ میلیارد ریال برسد (دستورالعمل تکمیلی نحوه رسیدگی به تراکنش‌های مشکوک شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مصوب ۱۳۹۶/۲/۲۴)، و از این‌رو تراکنش‌هایی کمتر از این مبلغ را مشکوک نمی‌داند و با این اوصاف این سیاست اقتصادی قادر نیست راه را برای سفته‌بازی و انجام عملیات دلالی از طریق اجاره حساب‌های بانکی در بازارهایی همچون

ارز را مسدود کند؛ زیرا این سیاست اقتصادی زمانی کارائی خواهد داشت که یک فرد، همه تراکنش‌های خود را در قالب یک حساب و به نام شخصی خود انجام دهد و اشاره و توجیهی به انجام تراکنش‌های بالا در قالب اجاره چند حساب از افراد مختلف ندارد و برای این‌گونه فرار مالیاتی و کتمان میزان درآمد، هیچ رهنمودی را ارائه نمی‌کند. علاوه بر این، مبالغ کمتر از این میزان را نیز غیرمشکوک می‌داند و تخلفات زیر این مبلغ که مبلغ ناچیزی هم نیست از نظر دور می‌دارد و از چتر نظارت و رصد اطلاعاتی مستثنا می‌کند.

۲-۳-۲. نقد حقوقی

تعیین سقف برای تراکنش‌ها علاوه بر ضعف‌هایی که از منظر اقتصادی دارد و به آن‌ها اشاره شد، به لحاظ حقوقی و سیاست کیفری و پیشگیری از جرم هم محل تأمل و مناقشه است؛ زیرا نقطه تمرکز تمامی این سیاست‌ها، بر روی مؤدیان مالیاتی و گردش‌های مالی صاحبان حساب‌ها شده است درحالی‌که بانک‌ها به‌عنوان بازوهای اجرایی بخشنامه‌های قانونی دولت نیز در سود سپرده‌های بانکی ذی‌نفع هستند. هر بخشنامه یا سیاستی که منتج به خروج سپرده‌ها از حساب‌ها شود، ممکن است با مواضع منفعلانه بانک‌ها و یافتن راه‌های فرار از بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی همراه شود؛ زیرا دغدغه بانک‌ها عملکرد یکپارچه رقباست و نگرانی بانک‌ها در این است که اگر این ارائه اطلاعات به‌طور همزمان انجام نشود، مردم حساب‌های خود را از بانک‌های قانون‌مداری که با سازمان همکاری کرده است خارج نموده و به بانکی ببرند که اطلاعات را به سازمان مالیاتی ارائه نکرده است. درحقیقت هر شعبه، برای خود، مشتریان به‌خصوصی دارد و تلاش مدیریت هر شعبه بر جلب مشتری بیشتر و ایجاد رغبت در آن‌ها به‌منظور ادامه فعالیت در شعبه خود است. بنابراین تمرکز صرف بر روی گردش مالی حساب‌ها و غفلت نمودن از فعالیت‌های شعب بانکی در عدم اجرای مصوبات بانک مرکزی، هم امکان تخلفات بانک‌ها را هموارتر می‌سازد و هم این کار، عرصه را برای بانک‌های قانونمند بسیار محدود می‌کند که به وظایف قانونی خود عمل نمایند و این شرایط، آن‌ها را وادار می‌سازد تا آن‌ها نیز متأثر از فضای رقابتی حاکم بین شعب، از اجرای آیین‌نامه‌های ابلاغی سر باز زنند. به‌همین خاطر بخشی از توجه

سیاست‌ها باید معطوف به برخورد با بانک‌ها و پیگیری اجرای بخشنامه‌های بانک مرکزی شود تا بستر رقابتی سالم میان شعب مختلف به وجود آمده و انگیزه مناسبی برای عمل به قانون توسط بانک‌های قانونمند، حاصل شود. به زبان ساده‌تر این سیاست، ریاست بانک‌ها را به عنوان مسئول ارائه گزارش تراکنش‌های بالا و مشکوک می‌شناسد در حالی که بانک خود به نوعی با سپرده‌گذار مشکوک شریک است و حفظ آن مشتری بر افزایش اعتبارات بانکی او، تأثیر جبران‌ناشدنی دارد و فردی که خودش شریک مجرم است نمی‌تواند مرجعی برای پیگیری و رسیدگی به همان جرم باشد و با روح اصل حقوقی بی‌طرفی دادرسی و مجری و ضابط بودن، ناسازگار است.

۲-۴. اخذ اسناد مثبت و الزام به درج بابت در تراکنش‌ها

به موجب بخشنامه ابلاغی بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۷، در راستای اجرای الزامات قانون مبارزه با پولشویی و ضوابط اجرایی آن و همچنین شفافیت بیشتر نقل و انتقالات بانکی، در تمام انتقالات وجوه بالاتر از ده میلیارد ریال درون‌بانکی و بین‌بانکی (ساتنا)، رؤسای شعب موظف هستند انتقال وجه را منوط به ارائه اسناد مثبت دال بر هرگونه معامله، قرارداد و یا علت انتقال پول بنمایند و یک کپی از اسناد مثبت مربوط به انتقال وجه را در پرونده تراکنش مورد اشاره نگهداری کنند.

چنان‌که در بخشنامه فوق تصریح شده است، این دستورالعمل، با هدف مبارزه با پولشویی تنظیم شده است؛ زیرا مقتضای مبارزه با پولشویی این است که مبدأ و مقصد پول‌ها شناسایی و اثبات شود. کارکرد این بخشنامه در اعمال نظارت مؤثرتر در راستای پاسخ به سه پرسش در مورد تراکنش‌های بانکی یعنی اثبات «دلیل تراکنش»، «مبدأ تراکنش» و «ذی‌نفع تراکنش» (مقصد آن) است که شفاف‌سازی بیشتری را در راه مبارزه با پولشویی و رانت‌خواری انجام دهد.

۲-۴-۱. نقد حقوقی و اقتصادی

به‌رغم آن‌که این بخشنامه از ضروریات بهبود نظام مالیاتی است اما در راستای مبارزه با اجاره حساب‌های بانکی همچنان خلأ آشکاری مشاهده می‌شود؛ زیرا اولاً حد آستانه‌ای برای تراکنش‌ها مقرر نشده است. ثانیاً در صورت‌های مالی دستگاه‌های اجرایی و همچنین در حساب‌های مالی ترازنامه سود و زیان و جداول گردش و نقدینگی

شرکت‌های تجاری - که در ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم بدان‌ها تصریح شده است - بین حساب شخصی و تجاری تفکیکی قائل نشده است درحالی‌که حساب شخصی و تجاری دو قسم مختلف و مجزا از یکدیگر هستند. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در حمایت از تصویب بند «ح» تبصره ۱۶ قانون بودجه ۹۸ درباره شفافیت تراکنش‌های بانکی از طریق تفکیک حساب‌های شخصی و تجاری آمده است: «عمده مفاسد اقتصادی و فعالیت‌های اخلاص‌گرانه در نظام اقتصادی کشور و نیز فرار مالیاتی شرکت‌ها از طریق سوءاستفاده از حساب‌های شخصی به‌وقوع می‌پیوندد. این موضوع در پرونده‌های مفاسد اقتصادی که عاملین آن‌ها در سال ۱۳۹۷ در دادگاه محاکمه شدند به‌وضوح قابل مشاهده است. برای مثال در متن دادنامه و محتویات پرونده متهم ردیف اول پرونده بزرگ اخلاص در بازار سکه و ارز کشور^۶، نامبرده در قالب ۲۱۹ حساب اشخاص حقیقی و ده‌ها حساب متعلق به سایر اشخاص حقوقی اقدام به جابه‌جایی ده‌ها هزار میلیارد تومان وجه کرده است. بر این اساس بخش عمده طراحی سازوکار شفاف‌سازی تراکنش‌ها باید معطوف به حساب‌های اشخاص حقیقی باشد. در صورت اصلاح سازوکار تراکنش حساب‌های شخصی، می‌توان نظارت دقیق‌تری بر اجاره حساب‌های بانکی اعمال نمود». این پیشنهاد که مورد توجه بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی واقع شده است، مستند به بند (ح) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ است که مقرر نموده است:

«بانک مرکزی با تصویب شورای پول و اعتبار، برای شفافیت تراکنش‌های بانکی به‌صورت یکسان یا متناسب با سطح فعالیت اشخاص حقیقی از نظر عملکرد مالی حد آستانه‌ای (سقفی) را تعیین کند و انتقال وجه با مبلغ بالاتر از حد آستانه (سقف) را برای اشخاص حقیقی از طریق کلیه تراکنش‌های بانکی (درون‌بانکی و بین‌بانکی) و سایر ابزارهای پرداخت، مشروط به درج «بابت» و در صورت نیاز به ارائه اسناد مثبت کند».

۳. تحلیل کیفی اجاره حساب بانکی

مسئله است که نمی‌توان از عدم شفافیت لازم قانون‌گذاری در عمل اجاره حساب بانکی در تشدید التهابات بازار ارز و گسترش فساد اقتصادی در سال ۱۳۹۷ چشم پوشید. آنگاه که نقش اجاره‌دهندگان حساب‌های بانکی در تحریک اقتصاد غیرمولد، نقشی

بسترساز باشد، تسامح قانونی در برابر چنین اشخاصی به معنای تسهیل فرایند اخفاسازی شریان‌های نقدینگی ناسالم است و راه ارتکاب جرائمی نظیر پولشویی، قاچاق، فرار مالیاتی، دلالتی ارز و درنهایت تزریق پول‌های ناسالم و گسترش بیکاری و فقر را هموار می‌سازد، به‌خصوص با توجه به آن‌که تمام تراکنش‌های بانکی در بستر (IT) قابل تجمیع است و اشراف اطلاعاتی بر جریان پول برای نظام حکومتی و سیستم بانکی کاری چندان دشوار نیست. اگرچه غالب سیاست‌های اقتصادی در راستای پیش‌گیری یا کشف فرار مالیاتی، پولشویی و اشخاصی است که با این قصد به اخفای درآمدهای اقتصادی و کتمان اطلاعات اقتصادی می‌پردازند و تمرکزی بر اجاره حساب‌های بانکی ندارند اما اقدامات اجاره‌دهندگان حساب‌ها، از دید رویه‌های قضائی و قانون مجازات اسلامی قابل اغماض و چشم‌پوشی نبوده و بخشی از مجازات‌های مندرج در قوانین کیفری، متوجه ایشان است و نمی‌توان ساده‌اندیشانه به ظاهر امر اکتفا کرد و عنوان قانونی اجاره، چشم ما را بر تخلفات بزرگی که در این پوشش رخ می‌دهد ببندد.

با این توضیح مشخص می‌شود که اجاره حساب بانکی از نگاه حقوق کیفری از دو جهت قابل بررسی است: الف) اجاره کردن حساب و ب) اجاره دادن حساب. در ادامه این نوشتار ابتدا «اجاره کردن» حساب بانکی در قوانین کیفری ایران ارزیابی می‌شود تا با روشن شدن ابعاد کیفری مسئله، بتوان با دید روشن‌تری به جرم‌انگاری «اجاره دادن» حساب بانکی پرداخت.

۳-۱. اجاره کردن حساب‌های بانکی

از منظر حقوقی، اجاره کردن حساب بانکی یکی از شیوه‌های اخفاسازی انواع پول‌های ناسالم از نظارت قانون و متصدیان قضائی است. در حقیقت تفکیک اقسام پول‌های ناسالم^۷ به اعتبار تنوع جرائمی است که در اثر اجاره کردن حساب‌های بانکی و سایر راه‌های اخفاسازی محقق می‌شود و این بدان معناست که منشأ تحصیل هر قسم از این پول‌ها، جرم به‌خصوصی است که اجاره حساب بانکی، بستر آن‌ها را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر ماهیت حقوقی اجاره حساب‌های بانکی با ماهیت پول ناسالمی‌گره می‌خورد که با این اجاره، قصد به‌دست آوردن آن را داشته است و انواع اجاره حساب بانکی متناسب با انواع پول ناسالم دسته‌بندی می‌شود. بر همین اساس می‌توان اجاره

حساب بانکی را نیز به‌طور خلاصه به دو دسته تقسیم کرد: ۱) اجاره به قصد اخفای درآمدهای مشروع؛ ۲) اجاره به قصد اخفای درآمدهای نامشروع. در ادامه بحث، به تحلیل حقوقی هرکدام از این انواع خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. فرار مالیاتی از طریق اجاره کردن حساب به منظور اخفای درآمدهای مشروع

مقصود از اخفای درآمدهای مشروع، اقدام به پوشاندن درآمدهای حاصل از فروش کالا یا انجام دادن کارهای تولیدی شرکت‌ها و سایر نهادهای اقتصادی است که عمدتاً به جهت فرار از پرداخت مالیات از نظارت دولت صورت می‌گیرد^۸ و مشمول جرم «فرار مالیاتی» موضوع بند ۲ و ۵ ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم است.^۹

از نظر قانون‌گذار استناد صوری به مدارک خلاف واقع یا استتکاف از تسلیم اظهارنامه و حساب سود و زیان، ترازنامه، برای تحقق جرم مالیاتی کفایت می‌کند و نیازی نیست که لزوماً مؤدی در فرار از پرداخت مالیات موفق گردد (خالقی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۰). درحقیقت، اجاره کردن حساب بانکی، عملی است که از اساس، استتکاف از تسلیم اظهارنامه و حساب سود و زیان، ترازنامه را در اثر پنهان‌سازی درآمدها، با خود در پی دارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد اجاره کردن حساب بانکی، اگر قابل انطباق بر بندهای ۲ و ۵ ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم باشد می‌تواند مصداقی از جرم فرار مالیاتی تلقی گردد. جرمی مطلق می‌باشد و بنابراین مجازات مندرج در ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم^{۱۰}، منوط به آن نیست که مؤدی در فرار از پرداخت مالیات موفق شده باشد. در هر حال این ماده می‌تواند تأمین‌کننده عنصر قانونی این جرم باشد؛ زیرا براساس قانون، جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) و مجازات هم اعم از مجازات بدنی و مالی است و در این ماده برای اختفاء و عدم ارائه مدارک و مستندات و ترازنامه، مجازات خاصی تعیین شده که عبارت از محرومیت از همه بخشودگی‌هاست و چون اجاره حساب نیز به‌منظور اختفاء مستندات حقیقی درآمد انجام شده است، مستقیماً مشمول این ماده خواهد بود و تفاوتی در نتیجه‌بخشی و موفقیت مرتکب در فرار مالیاتی یا عدم نتیجه‌بخشی وجود ندارد.

این نظر می‌تواند به این شکل مورد خدشه و نقد قرار گیرد که ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم در مقام جرم‌انگاری و وضع مجازاتی که قابل پیگرد از طریق مراجع کیفری باشد نیست زیرا محرومیت از معافیت و بخشودگی را نمی‌توان مجازات تلقی نمود اما این نقد قابل پذیرش نیست زیرا مجازات‌های قانونی همه از یک نوع نیستند بلکه بعضی از آن‌ها در قالب مجازات‌های بازدارنده و به شکل برخی از محرومیت‌ها خودنمایی می‌کنند و لذا این محرومیت که در ماده مورد اشاره بیان شده است از نوع مجازات‌های بازدارنده و مجازات به معنای اعم آن به حساب آید.

شایسته است که در رویه فعالیت‌های کارفرمایی و پیمانکاری، کارفرمایان برای اطمینان از هزینه‌کرد وجوه پرداختی در محل پروژه و یا پرداخت حقوق پرسنل، مبادرت به افتتاح حساب مشترک با یکدیگر می‌نمایند. نیز مورد توجه قرار گیرد در این فرض نیز از صاحبان حساب مشترک که اشخاص حقیقی هستند سلب ادعا اخذ شده و بعضاً نامه نمایندگی از شرکت متبوع نیز اخذ و در سوابق بانکی درج می‌گردد. بدیهی است مقاصد اولیه در ایجاد حساب مشترک کاملاً مشروع بوده لکن چنین حسابی ظرفیت اختفای درآمدهای پروژه را داشته و می‌تواند بعداً در مقاصد فرار مالیاتی نیز مورد استفاده قرار گیرد و این مطلب که ریشه در عنصر معنوی جرم دارد، در ادامه بحث مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳-۱-۲. تحقیق در عنصر روانی جرم فرار مالیاتی از طریق اجاره حساب‌های بانکی

برای تحقق یک جرم، فعل مادی یا ترک فعل و همچنین عنصر قانونی کافی نیست. بلکه فعل یا ترک فعلی که مجرمانه است باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. در جرم اجاره کردن حساب بانکی، ضروری است که شخص مرتکب، اجاره حساب را از روی سوءنیت و به قصد کتمان درآمد انجام دهد. البته دور از ذهن نیست از آنجایی که تقاضا برای اجاره کارت بانکی و یا حساب از سوی متقاضیان - با وجود آگاه بودن عموم مردم از سهولت در افتتاح حساب برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی - صرفاً برای مقاصد خاصی که خارج از چارچوب قانون باشد انجام می‌پذیرد؛ این چنین به نظر می‌رسد که عنصر روانی در جرم اجاره کردن حساب بانکی غالباً محقق بوده و مسبوقیت علم و آگاهی اجاره‌کننده نسبت به کلیت ارتکاب جرم، غیرقابل انکار باشد.

بنابراین، قانون‌گذار می‌تواند اجاره کردن حساب بانکی را (ولو به فرار مالیاتی هم نیانجامد) به‌طور مطلق در زمره جرم اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن محسوب نماید.

۳-۱-۳. اجاره کردن حساب به منظور اخفای درآمدهای نامشروع

مقصود از اخفای درآمدهای نامشروع، اقدام به پوشاندن درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی نظیر درآمدهای حاصل از قاچاق کالا و ارز، شرکت نمودن در معاملات پرسود که خارج از عرف طبیعی در جامعه بوده و نیز درآمدهای حاصل از نقل و انتقال و قاچاق مواد مخدر، قمار و دیگر اعمال تبه‌کارانه است. «اخفای درآمدهای نامشروع به وسیله اجاره نمودن حساب‌های بانکی» یکی از آسان‌ترین راه‌های رد گم کردن این قبیل درآمدها و منشأ آن‌ها است. برای مثال یک شخص حقیقی یا حقوقی ممکن است درآمد قابل توجهی را از محل فروش اشیای عتیقه که میراث ملی است یا اختلاس از بیت‌المال و یا قاچاق مواد مخدر و یا به‌طور کلی از موارد نامشروعی که پیش‌تر اشاره گردید، تحصیل نماید؛ سپس مبلغ مزبور را ابتدا به مبلغ‌های خردتری تقسیم نموده، سپس هر بخشی از آن مبالغ را به حساب‌های اجاره‌ای در بانک‌های مختلف تقسیم کند. عملی که در اصطلاح حقوقی تحت عنوان «پولشویی» از آن یاد می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۸).

اگرچه قانون‌گذار، با توجه به ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی^{۱۱} مصادره و ضبط اموال را به‌عنوان مجازات پولشویی پیش‌بینی کرده است، اما در خصوص نحوه اجرای مصادره و همچنین مصادره اموال در مواردی که جرم جنبه بین‌المللی دارد، مقررات خاصی پیش‌بینی نکرده است و صرفاً در تبصره (۱) این ماده متذکر است که «چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهند شد» حال آن‌که اجاره حساب‌های بانکی گاه به‌منظور انجام تبادل ارز و فارکس بین‌المللی نیز انجام می‌گیرد. با این اوصاف در سیستم قانونی ایران جرم بودن اجاره حساب بانکی تنها در صورتی تحقق می‌یابد که برای دادگاه احراز شود که این عمل به‌منظور انجام عمل نامشروع دیگری مانند کسب درآمد نامشروع یا اخفای درآمد مشروع برای فرار مالیات و سایر وظایف قانونی مربوط به آن صورت گرفته باشد و این مطلب، نقیصه‌ای

بزرگ است که مقابله قضائی با پدیده نامیمون اجاره حساب بانکی را با مشکلات بسیاری مواجه می‌سازد به‌خصوص از آن جهت که نیت و قصد، امری باطنی است و درون و ضمیر مخفی افراد مربوطه و اثبات نیت و مافی‌الضمیر افراد به‌آسانی میسر نیست و به حکم ماده ۱۲۰ قانون مجازات و قاعده درأ غالباً به دلیل عدم احراز عنصر معنوی جرم، قضیه به تبرئه متهم می‌انجامد.

درخصوص احراز قصد مجرمانه، به نظر می‌رسد اثبات تبادل مالی میان صاحب حساب و اجاره‌کننده در راستای اجاره دادن حساب بانکی قدر متیقن مثبت قصد مجرمانه طرفین لاقلاً در بحث فرار مالیاتی باشد. زیرا مفروض آن است که تمام افراد از قوانین و مقررات موضوعه از جمله ماده ۲۷۴ ق.م.م آگاهی دارند. لکن برای جرم پولشویی نیازمند اثبات قصد و عمد مستقل خواهیم بود اما از سوی دیگر اجاره کردن حساب برای اخفای درآمد نامشروع می‌تواند مصداق معاملات مشکوک موضوع بند (۱) و (۳) و عبارت صدر بند (چ) ماده (۱) قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی محسوب گردد. که برابر بند (ب) و (پ) ماده (۲) این قانون مصداقی از پولشویی تلقی و برابر ماده ۹ مشمول مجازات مصادره، حبس و جزای نقدی می‌تواند باشد.

۳-۲. اجاره دادن حساب‌های بانکی

به موجب قانون، افتتاح حساب و بهره‌مندی از خدمات بانکی، مشروط به ارائه تعهدنامه دارندگان حساب است که از هرگونه اقدام به سوءاستفاده غیرقانونی از منافع و امتیاز این خدمات خودداری ورزند. در صورتی که فرد اجاره‌دهنده تعهدات خویش را نقض نماید و مستندات لازم به‌منظور کشف و اثبات فرار مالیاتی یا پولشویی توسط اجاره‌کنندگان احراز نشود، اجاره‌دهندگان حساب - که موکل قانونی حساب هستند - با مشکلات بزرگی از قبیل الزام به پرداخت مالیات با ارقام نجومی و... مواجه می‌گردند. در واقع اکثر اجاره‌دهندگان حساب‌های بانکی گاهی اوقات بی‌آن‌که خود متوجه باشند با اجاره دادن حساب خود، عملاً یک نوع ضمانت ضمنی به اجاره‌کنندگان می‌دهند که پیامدهای متعدد ناشی از تخلفات فرار مالیاتی آنان را متقبل شوند؛ زیرا بر اساس آئین‌نامه‌های جاری مؤسسات مالی و اعتباری، مسئولیت تمامی تراکنش‌ها و مبادلاتی که از طریق حساب‌ها انجام می‌شود برعهده دارنده آن است (جلالی، ۱۳۹۶، ص. ۵۵۶).

نظر به نقشی که اجاره‌دهندگان حساب‌های بانکی در تشدید فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی ایفا می‌کنند ممکن است به فعل ایشان عناوین مجرمانه‌ای همچون «معاونت در جرم» یا «مشارکت در جرم» منتسب نماید که بسته به تحقق عناصر و ارکان هر یک، مجازات معینی در قانون مجازات اسلامی برای هر یک تعیین شده است.

۳-۲-۱. تحلیل جرم معاونت

نزدیک‌ترین ماده‌ای که با جرم اجاره دادن حساب بانکی تناسب دارد، ماده ۱۲۶ ق.م.ا است.^{۱۲} بند (پ) ماده مذکور هرگونه آماده‌سازی مقدمات یا فراهم نمودن تسهیلات به منظور ارتکاب جرم را مشمول معاونت در جرم دانسته است. آنچه که از سیاق ماده برمی‌آید حاوی قاعده و قضیه‌ای کلی است که ظهور آشکاری در توجه قانون‌گذار بر جلوگیری از هرگونه آماده‌سازی مقدمات یا فراهم نمودن تسهیلات به منظور ارتکاب جرم دارد و از آنجایی که اقدام اجاره‌دهنده بر واگذاری حساب خویش به مجرم، در بروز جرم تأثیرگذار بوده و موجب فراهم کردن شرایط و تسهیل ارتکاب جرم فرار مالیاتی و... می‌گردد، به‌نوبه خود می‌تواند مستندی قانونی برای جرم اجاره حساب بانکی محسوب گردد و قابل ذکر این که ضروری است بین اقدام اجاره‌دهنده (معاون) و اجاره‌کننده (مباشر) تبانی قبلی یا تفاهم لحظه‌ای برای ارتکاب جرم وجود داشته باشد که نقش معاون در آن، نه ورود مستقیم در اعمال مادی جرم با هر کمیتی، بلکه از طریق تحریک و ترغیب یا تهیه وسایل و تسهیل وقوع جرم و... باشد که نقشی تبعی و فرعی است (ولیدی، ۱۳۹۲، ص. ۶۹؛ صانعی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۸۴). این بدان معناست که بین عمل اجاره‌دهنده (معاون) با عمل متخلف مالیاتی (اجاره‌کننده و مباشر) باید تقدم یا اقتران زمانی دیده شود. اما به‌نظر می‌رسد معاونت در جرم فرار مالیاتی یا پولشویی از طریق اجاره حساب بانکی برابر ماده ۱۲۶ ق.م.ا در فرضی است که حساب بانکی برای مقاصد کتمان و اختفای درآمد در اختیار اجاره‌کننده قرار گرفته باشد لکن هنوز نقل و انتقال وجهی اعم از مشروع یا نامشروع در آن صورت نگرفته باشد. در این صورت عمل ارتكابی می‌تواند معاونت در جرم فرار مالیاتی یا پولشویی تلقی گردد.

۳-۲-۲. تحلیل جرم مشارکت

تبعی بودن اقدام اجاره‌کننده به معنی تسهیل در ارتکاب جرم و «در اختیار گذاردن وسایل ارتکاب جرم» است که رکن مادی جرم معاونت را تحقق می‌بخشد، یعنی عمل واگذاری حساب صرفاً در ازای مبلغ و اجرتی صورت می‌گیرد و اجاره‌دهنده هیچ نقش دیگری در ارتکاب جرائم اجاره‌کننده ندارد. اما در صورتی که فرد واگذارکننده حساب، از عملیات اجرایی اجاره‌کننده سهمی به نحو مشارکت داشته به نحوی که فاعلیت جرم مستند به اقدام هر دو شخص باشد، در این صورت، نوع ارتکاب از حیث معاونت خارج شده و مصداقی از جرم مشارکت در جرم، موضوع ماده ۴۲ ق.م.ا. ق. می‌گردد. مستفاد از این ماده قانونی، مساعدت معاون جرم (اجاره‌دهنده)، حتی اگر اقوی از عمل مباشر هم باشد، بدون ورود مستقیم در عملیات اجرایی اجاره‌کننده، مباشرت تلقی نمی‌شود.

به نظر می‌رسد رویه قانون‌گذار موجب آن می‌شود تا جرم اجاره دادن حساب بانکی خصیصه ویژه‌ای پیدا کند و به صرف عنوان معاونت در جرم - با تمام خصوصیات آن - بدان نگریسته نشود؛ زیرا مقنن، اعطای حساب بانکی به شهروندان و بهره‌مندی از این تسهیلات را مقید به قید مباشرت نموده باشد که هرگونه تخلف از آن، مسئولیت حقوقی را برای اجاره‌دهنده در پی خواهد داشت و این مسئولیت به نحو کلی است، بدین ترتیب که:

الف) دستورالعمل‌های بانکی مبنی بر این که «هرگونه مسئولیت و تبعات ناشی از گردش‌های حساب به‌عهده دارنده حساب است» منصرف به مسئولیت مدنی اجاره‌دهنده است در قبال تراکنش‌های انجام‌شده؛ زیرا متوجه کردن مسئولیت کیفری به اجاره‌دهنده، مخالف با اصل شخصی بودن مجازات و قاعده فقهی وزر است.

ب) در جایی که فرد با علم و آگاهی به معاونت در جرم، وسایل ارتکاب جرم از جمله حساب بانکی را در اختیار فرد مباشر جرم قرار دهد، به دلیل فراهم بودن عنصر معنوی جرم معاونت و سایر ارکان آن، مشمول مجازات و مسئولیت کیفری می‌شود و مجازات معاونت در جرم ارتكابی برای او در نظر گرفته می‌شود و در چنین حالتی مشارکت موضوعیت نخواهد داشت. اما اشکالی که وجود دارد همچنان که در مباحث پیشین نیز اشاره شد این است که اثبات قصد، کاری بسیار دشوار است و غالباً به دلیل

عدم اثبات قصد، به حکم ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و قاعده درأ، حکم برائت صادر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

۱) شفافیت اقتصادی و استقرار نظام مالیاتی کارآمد - که هدف اصلی اجرای سیاست‌های مقابله با اجاره حساب‌های بانکی است - نقش بسیار بزرگی در پویایی اقتصاد کشور دارد؛ چرا که با کنترل فعالیت‌های اقتصادی در کشور، درصد نرخ بهره‌های بانکی با میزان تورم، متوازن شده و بستری را فراهم می‌کند تا دولت بتواند مدیریت روشنی را بر بازارهای مختلف اعمال نماید. اما این مدیریت بیش از هر چیز وابسته به دسترسی داشتن به اطلاعات صحیح و کامل از گردش‌های متعلق به حساب‌ها است. در این راستا میزان کارایی سیاست‌های بانک مرکزی در جهت کشف حساب‌های اجاره‌ای تا چه اندازه‌ای بوده است؛ پاسخ به این پرسش با مروری بر مصوبات و بخشنامه‌ها روشن می‌شود که تا پیش از دو سال اخیر در بخشنامه‌های ابلاغی، موضوع اجاره حساب‌های بانکی، چندان مورد توجه نبوده است و این غفلت کاملاً محرز است؛ علاوه بر این، بررسی حساب‌های بانکی و رصد تراکنش‌های مشکوک، بدون تفکیک حساب‌های شخصی از تجاری مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است و حساب اشخاص حقوقی بیشتر مورد توجه و رصد بوده است، حال آن‌که معضل اجاره حساب‌های بانکی به حساب‌های اشخاص حقیقی مربوط است نه به حساب‌های تجاری.

۲) وجود اختلاف‌نظرها و تعارض منافع بین دستگاه‌های نظارتی در معیار مشکوک بودن تراکنش و سقف تراکنش‌های مجاز نیز مشکل دیگری است که در پیش‌روی مبارزه با اجاره حساب‌های بانکی است. اجرای بخشنامه شرایط جدید استفاده از چک‌های تضمین‌شده مصوب ۱۳۹۷/۹/۱۱ با وجود اختلاف بر سر تعیین حد آستانه و سقف تراکنش‌هایی که از گزارش مستثنا شده‌اند و نیز عدم رعایت آیین‌نامه اجرائی تبصره ۵ ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۵، توانست به کشف ۲۵ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور انجامد. مسلماً اگر حد آستانه بررسی گردش‌های مالی - همچنان‌که سازمان امور مالیاتی بر آن اصرار داشت به جای ۵۰۰ میلیون تومان -

به سقف ۵۰ میلیون تومان کاهش می‌یافت، عرصه بر اخلاص‌گران اقتصادی تنگ‌تر شده و رقم کشف فرارهای مالیاتی را به میزان چشم‌گیری بالاتر می‌برد. (۳) مشکل دیگر عدم توجه دولت بر فعالیت‌های غیرقانونی بانک‌ها است که گاهی، برای جلب مشتری و افزایش سرمایه‌های بانک و اعتبارات مالی آن، مصوبات دولت را نادیده می‌گیرند و تراکنش‌های مشکوک را گزارش نمی‌کنند که به نظر نگارنده ریشه این مشکل در نبود ضمانت‌های اجرائی کافی در بخشنامه‌های ابلاغی به بانک‌ها است که بانک مرکزی باید در زمینه تضمین اجرای مصوبات خود، تدابیر بهتری بیندیشد و قاطع‌تر عمل کند.

(۴) اما از لحاظ وضع قوانین کیفری و قانون‌گذاری، ماهیت کیفری اجاره حساب‌های بانکی با شفافیت روشن‌تری همراه است. نتیجه این پژوهش پس از واکاوی ماهیت اجاره حساب‌های بانکی و تفکیک عمل اجاره دادن از اجاره کردن حساب چنین شد که فرار مالیاتی، قاچاق، انجام فعالیت‌های مجرمانه‌ای چون پولشویی، و درنهایت تزریق پول‌های ناسالم و گسترش بیکاری و فقر، از این قبیل مواردی است که اجاره حساب بانکی می‌تواند بستر آن‌ها را مهیا ساخته و ردپای مجرم را برای ضابطین قضائی محو یا دشوار نماید. براساس آراء قضائی، فردی که از طریق «اجاره دادن» حساب خود، زمینه تحقق این جرائم را فراهم نماید، تحت عنوان معاونت یا مشارکت در جرم، به شرط اثبات قصد، می‌تواند مشمول مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی گردد.

یادداشت‌ها

1. <https://www.farsnews.com/news/13971025000947>.
۲. ر.ک: دستورالعمل اجرائی معاملات و تسهیلات اعتباری بانک ملی ایران (بخشنامه ۲۰ ب)، همچنین ر.ک: آیین‌نامه وکالت در حساب‌های بانکی، بانک تجارت، قابل‌بازبینی در پیوند مقابل: https://www.tejaratbank.ir/file_manager/1589901/download/1.htm
۳. آنچه که در اینجا قابل توجه است، اذعان مسئولین بانک مرکزی در اوایل سال ۱۳۹۶ به نتیجه این سیاست در صورت عملکرد ناقص بانک‌ها دقیقاً یک سال قبل از التهابات بازار سکه و ارز در سال ۱۳۹۷ بود. ر.ک: مصاحبه با مدیرکل سازمان مالیاتی با موضوع «ارسال اطلاعات حساب بانکی با گردش بالای ۵۰۰ میلیون تومان به سازمان مالیاتی، ۱۳۹۶» قابل‌بازبینی در پیوند زیر: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/05/16/1484277>
4. <https://www.farsnews.com/news/13971025000947>.

۵. پس از آن، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۸ و در جریان بررسی جزئیات بخش هزینه‌ای لایحه بودجه سال ۹۸ کل کشور، با بند الحاقی ۳ تبصره ۱۶ ماده واحده این لایحه موافقت کردند که بانک مرکزی با تصویب شورای پول و اعتبار موظف است برای شفافیت تراکنش‌های بانکی به‌طور یکسان یا متناسب با سطح اشخاص حقیقی حد آستانه‌ای (سقفی) را تعیین کند.
۶. دادنامه شماره ۱۱۷ مورخ ۴/۷/۱۳۹۷ صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران (ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی) و دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۲۵۶۰۰۳۲۴ مورخ ۲۹/۷/۱۳۹۷ صادره از شعبه چهل و یکم دیوان عالی کشور.
۷. به‌طور کلی پول‌های ناسالم بر سه قسم تقسیم می‌گردند:
- الف) پول خاکستری: درآمدهای حاصل از فروش کالا یا انجام دادن کارهای تولیدی است که معمولاً به جهت فرار از پرداخت مالیات از نظارت دولت پنهان می‌ماند (تجلی، ۱۳۹۰، ص. ۵۹).
- ب) پول سیاه: درآمدهای حاصل از قاچاق کالا و شرکت در معاملات پرسود که خارج از عرف طبیعی در جامعه صورت می‌گیرد باعث پیدایش این پول‌ها می‌شود (Fichtenbaum, 1989, 85).
- ج) پول کثیف: درآمدهای حاصل از نقل و انتقال و قاچاق مواد مخدر و قمار و دیگر اعمال تبهارانه است (Norman, V, 2004, p.68).
۸. به این‌گونه درآمدها، اصطلاحاً «پول خاکستری» می‌گویند.
۹. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «موارد زیر جرم مالیاتی محسوب می‌شود و مرتکب یا مرتکبان حسب مورد، به مجازات‌های درجه شش محکوم می‌گردند: ... (۲) اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن... (۵) تنظیم معاملات و قراردادهای خود به‌نام دیگران، یا معاملات و قراردادهای مؤدیان دیگر به‌نام خود برخلاف واقع».
۱۰. ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم مقرر می‌دارد: «هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب سود و زیان خودداری کند، علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد».
۱۱. ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی نیز متذکر شده است: «مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم، مشتمل بر اصل و منافع حاصل از آن (اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن)، به جزای نقدی به میزان عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد». و سپس تبصره دوم ماده مذکور قیدی به آن زده و اشعار نموده: «البته صدور و اجرای حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشأ، (جرم اولیه) مشمول این حکم قرار نگرفته باشد».

۱۲. ماده ۱۲۶ ق.م.ا بیان می‌کند: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف) هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم نماید یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. ب) هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند».
۱۳. ماده ۴۲ ق.م.ا در این‌باره متذکر شده است: «هرکس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آن‌ها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود».

کتابنامه

- تجلی، سید آیت‌الله (۱۳۹۰)، مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در بانک‌ها؛ انتشارات آراد کتاب.
- تقوی، مهدی و لطفی، علی اصغر (۱۳۸۵)، «بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده‌ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور (طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۴)»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰، صص ۱۳۱ تا ۱۶۶.
- جلالی، مریم؛ الشریف، محمد مهدی؛ فصیحی‌زاده، علیرضا و جلالی، محمود (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی وقوع اشتباه انسانی یا خطای فنی در پرداخت‌های مبتنی بر کارت بدهی در حقوق ایران و آمریکا»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۵۴۵-۵۶۴.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۷)، پیشنهادهایی در راستای شفاف‌سازی بیشتر و مؤثرتر جریان پول در کشور، تهران، کانون تفکر ایران.
- خالقی، ابوالفتح و سیفی قره‌یتاق، داود (۱۳۹۴)، «رویکرد نظام کیفری ایران به جرم فرار مالیاتی»، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و هشتم، (مسلسل ۷۶)، زمستان.
- رستم‌پور، علی (۱۳۹۶)، «دغدغه رقابتی بانک‌ها در ارائه اطلاعات به سازمان مالیات»، دنیای اقتصاد، شماره ۴۱، تابستان.
- رنجبر، همایون؛ صامتی، مجید و مالیان، مهسا (۱۳۹۵)، «امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی - مطالعه موردی، ایران»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، صص ۲۷-۳۸.
- شهیدی، علی (۱۳۹۸)، «مشکلات نبود اطلاعات کامل در اقتصاد»، دنیای اقتصاد، شماره ۴۷.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر گنج دانش، چاپ اول.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۸۷)، آشنایی با سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، مرکز نشر آکادمیا.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: چاپ بیست و پنجم.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۲)، حقوق جزا: مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- هدایتی، رضا (۱۳۷۹)، دستورالعمل اجرائی معاملات و تسهیلات اعتباری بانک ملی ایران (بخشنامه ۲۰ ب)، تهران: انتشارات ایران صفحه، چاپ اول.

- A Group of Researchers (2018), *Suggestions for more transparent and effective money flow in the country*, Tehran, Iran Thought Center (In Persian).
- Boorman J, Stefaningves (2001), *Financial System Abuse, Financial Crime and Money Laundering*, international monetary fund, pp 1-38 (In Persian).
- Elwell, C. K. (2012), *The depreciating dollar: Economic effects and policy response*. Washington, DC: Congressional Research Service. (In Persian)
- Fichtenbaum, Ronald (1989), "The Productivity Slowdown and the Underground Economy", In: *Quarterly Journal of Business and Economics*, pp 78-90 (In Persian)
- Hedayati, Reza (2000), *Executive Instruction on Transactions and Credit Facilities of Bank Melli Iran* (Circular 20b), Tehran, Iran Page Publications, First Edition (In Persian)
- Improving Access to Bank Information for Tax Purposes, (2000), *Organisation for Economic Co-operation and Development –OECD* (In Persian).
- Kornai, Janos (1994), Transformational Recession: The Main Causes, *Journal of Comparative Economics*, Volume 19, Issue 1, pp 39-63 (In Persian).
- Khaleghi, Abolfath, Seifi Qara Yatagh, Davood (2015), "Iran's Criminal System Approach to Tax Evasion", *Tax Research Journal*, No. 28, (Series 76), Winter (In Persian)
- Payments in Iranian and American Law, (2017), *Journal of Comparative Law*, Volume 8, No 2, pp. 545-564, Fall and Winter.
- Tajali, Sayyid Ayatollah (2011), *Combating Money Laundering and Financing Terrorism in Banks*; Arad Kitab Publications (In Persian).
- Taghavi, Mehdi; Lotfi, Ali Asghar (2006), "Investigation of the effects of monetary policy on the volume of deposits, granting facilities and liquidity of the country's banking system (during the years 1374-1382)", *Economic Research Journal*, No. 20, pp. 131-166, Spring . (In Persian)
- Mokhtari Hashi, Hossein (2008), *Introduction to the Organization of Economic Cooperation and Development*, Academy Publishing Center. (In Persian)
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2016), *Crimes against Property and Ownership*, Tehran, Mizan, 25th Edition (In Persian)
- Norman V. Loayza (2004), *The Economics of the Informal Sector: A Simple Model, and Some Empirical Evidence From Latin America*, The World Bank, Washington, D. C. (In Persian)
- Rostampour, Ali (2017), "Competitive Concerns of Banks in Providing Information to the Tax Organization", *World Economy*, No. 41, Summer . (In Persian)
- Ranjbar, Homayoun; Sameti, Majid; Malian, Mahsa (2016), "The Possibility of Replacing Tax Revenues with Oil Revenues - Case Study, Iran", *Journal of Applied Economics*, pp. 27-38. (In Persian)
- Shahidi, Ali, "Problems of Lack of Complete Information in Economics", *World of Economics*, No. 47. (In Persian)
- Sanei, Parviz (1998), *Public Criminal Law*, Tehran, Ganj-e-Danesh Publishing, First Edition. (In Persian)
- Walidi, Mohammad Saleh (2013), *Criminal Law: Criminal Liability*, Tehran, Amirkabir Publications, Third Edition (In Persian).

مصاحبه‌ها

مصاحبه با دادستان مالیاتی، عباس بهزاد، ۱۳۹۷/۱۱/۲۵، خبرگزاری اطلاعات، عنوان خبر: «هشدار

دادستان انتظامی مالیاتی درباره اجاره حساب‌های بانکی»، قابل بازبینی در پیوند زیر:

<https://www.ettelaat.com/mobile/?p=110041&device=phone>.

Interview with the Tax Prosecutor, Abbas Behzad, 11/25/2016, Information News Agency, News Title: "Warning of the Tax Disciplinary Prosecutor on Renting Bank Accounts", reviewable in the following link:

<https://www.ettelaat.com/mobile/?p=110041&device=phone>.